

مثنوی مطهر الآثار

(به پیروی از منظومه مخزن الاسرار نظامی گنجوی)

شاه جهانگیر با شاهی کرمانی

(در گذشته ۹۴۶ ه. ق)

تصحیح، مقدمه و تعلیقات

حامد سینخانی

- سرشناسه : هاشمی، شاه جهانگیر، - ۹۴۶ق.
- عنوان قراردادی : مظهر الآثار
- عنوان و نام پدیدآور : مثنوی مظهر الآثار / شاه جهانگیر هاشمی کرمانی؛ تصحیح، مقدمه و تعلیقات حامد حسینخانی.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : یک صد و سی و هفت، ۱۴۷ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۷۱، زبان و ادبیات فارسی؛ ۸۳
- شابک : 978-600-203-254-6
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه: ص ۱۳۹ - ۱۴۷.
- موضوع : هاشمی، شاه جهانگیر، - ۹۴۶ق. - نقد و تفسیر
- موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۰ق.
- Persian poetry-16th century
- شعر عرفانی فارسی - قرن ۱۰ق.
- Sufi poetry, Persian-16th century
- شاعران ایرانی - قرن ۱۰ق.
- Poets, Persian-16th century
- شناسه افزوده : حسین خانی، حامد، ۱۳۵۹ -
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده‌بندی کنگره : PIR ۶۱۸۱
- رده‌بندی دیویی : ۸ / ۴ فا ۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۶۸۶۲۱۱
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا



مثنوی مظهر الآثار

(به پیروی از منظومه مخزن الأسرار نظامی گنجوی)

شاه جهانگیر هاشمی کرمانی (درگذشته ۹۴۶ ه. ق)

تصحیح، مقدمه و تعلیقات: حامد حسینخانی

ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

مجمع کس سرچشمه رفسنجان

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی میری

ویراستار: مرتضی موسوی

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۱۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۵۴-۶

چاپ و صحافی: الفبا

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: toolid@MirasMaktoob.ir

http://www.MirasMaktoob.ir

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است



دریابی از فرهنگ پربایه اسلام و ایران در خلی خلی موج می زند. این نسخه با تحقیقت، کارنامه دانشمندان و نوایع بزرگ و بهویت نامه ما ایرانیان است. برعمده هر نسبی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایسته کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین در آنها انجام گرفته و صد و کتاب رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است. هزاران کتاب رساله خلی موجود در کتابخانه های خلی خلی کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز اگرچه بارها طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب ها و رساله های خلی وظیفه ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و محققان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سعی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکسپیرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

پیشگفتار	پانزده
مقدمه	هفده
منظومه‌های عرفانی	بیست
پیروان نظامی با تکیه بر مخزن الاسرار	بیست و دو
شرح زندگانی و احوال هاشمی کرمانی	بیست و شش
نقل‌های تذکره‌ها و تواریخ	بیست و شش
زادگاه و تاریخ ولادت شاعر	چهل و چهار
نام و لقب و نسب	چهل و پنج
سفر شاعر به سند	چهل و هشت
جغرافیای سند و پیوند تاریخی و فرهنگی آن با ایران	پنجاه و یک
دین و مذهب شاعر	پنجاه و پنج
شاعران هم‌روزگار هاشمی کرمانی	پنجاه و هشت
رویدادها و تحولات تاریخی عصر شاعر	شصت
ممدوح شاعر	شصت و سه
ارادت ورزی هاشمی به جدش، شاه نعمت‌الله ولی	شصت و شش
پایان زندگی و تاریخ وفات هاشمی	شصت و نه
اشتباهات برخی تذکره‌نویسان درباره هاشمی	هفتاد و دو
چکیده شرح زندگی و احوال شاعر	هفتاد و شش

آثار هاشمی کرمانی	هفتاد و هشت
دیوان گم شده هاشمی و ابیات پراکنده در تذکره ها	هفتاد و نه
مظهر الآثار	هشتاد و شش
استباه برخی تذکره نویسان در نام این منظومه	هشتاد و هفت
زمان و انگیزه سرایش منظومه و شمار ابیات آن	هشتاد و هشت
مظهر الآثار، مخزن الاسرار و تحفة الاحرار	هشتاد و نه
سبک شناسی مظهر الآثار	نود و چهار
ویژگی های صوری و زبانی	نود و چهار
ویژگی های بلاغی و ادبی	یک صد و یک
آرایه های لفظی	یک صد و سه
موازنه و مماثلت	یک صد و چهار
واج آرای	یک صد و چهار
آرایه های معنوی	یک صد و پنج
لف و نشر مرتب	یک صد و پنج
حرف گرایی	یک صد و پنج
مراعات النظیر	یک صد و شش
تضاد و طباق	یک صد و شش
ایهام	یک صد و شش
ایهام تناسب	یک صد و شش
اقتباس و تلمیح	یک صد و هفت
ابیات شاهد برای اقتباس	یک صد و هفت
ویژگی های معنایی، محتوایی و مضمونی	یک صد و هشت
مبانی و مضامین عرفانی	یک صد و هشت
اندیشه های جنبش حروفیه	یک صد و ده
وحدت وجود و تمثیل در مظهر الآثار	یک صد و دوازده
معرفی بخش های مظهر الآثار	یک صد و چهارده
آغاز منظومه با تسمیه و تحمید و شکر	یک صد و چهارده
مناجات های چهارگانه	یک صد و پانزده

نعت‌های پنج‌گانه	یک‌صد و پانزده
روضه‌های سه‌گانه	یک‌صد و هفده
مواعظ بیست‌گانه	یک‌صد و هفده
خاتمه کتاب	یک‌صد و نوزده
معرفی نسخه‌های مظهر الآثار	یک‌صد و نوزده
روش تصحیح متن	یک‌صد و بیست و چهار

متن مظهر الآثار هاشمی کرمانی

آغاز مثنوی

در شکر ادای نعمت تسمیه به تحمید سبحانی که مفتاح ابواب معانی و فاتحه اسباب دوجوانی است	۵
مناجات اول - در استغفار از تقصیر و خطا به درگاه واجب‌العطایا	۷
مناجات دوم - در ایضاح آنکه موجودات به یک وجود قائل‌اند	۸
مناجات سوم - در استفاضه انوار سرچشمه عین‌الیقین و چشم‌داشتن به پرتو جمال جهان‌آفرین	۹
مناجات چهارم - در توفیق انتظام این صحیفه به درگاه قاضی الحاجات - عزّه اسمّه -	۱۰
نعت اول - در تقدّم نور حضرت سیّد کائنات - علیه افضل الصلوة - بر جمیع حقایق ممکنات	۱۱
نعت دوم - در صفت معراج نبی علیه السلام و وصول به معاد که فنای عبد است در بقای معبود و اتصال آخرین قوس به نقطه قوس مدارج و اتمام دایره وجود	۱۳
نعت سوم - در التماس آثار عنایت نبوی و اقتباس انوار هدایت مصطفوی است - صلی الله علیه و آله و سلم -	۱۹
نعت چهارم - در علوّ قدر و منزلت و استدعای قدم‌بوسی روضه نبوی	۲۱
نعت پنجم - در وقار و بزرگی آن حضرت که منبع حلم و حیا و مجمع صدق و صفاست ..	۲۲
در منقبت قطب [و] مرکز دایره حقایق ازلی، شاه نورالدین نعمت‌الله ولی - قدّس سرّه -	۲۳
در ذکر مفتاح اسرار الهی و مصباح انوار سفیدی و سیاهی حضرت ارشادپناهی شیخ محمد لاهیجی - قدّس سرّه -	۲۵

- دیباجه سخن در تحریر اوصاف اکابر قلمرو بلاغت که ناظران این طرز عالی سوادند، مزین به مدح والی عهد - خلد الله ملکه - که به شکرستان سخن پرورده باد ۲۶
- در تعریف جواهر سخن که زبان حال بر لطافتش دلیل ساطع و حجت ناطق است و کلام سبحانی که در کسوت سخن ورود یافته بر فضیلتش نص قاطع ۳۳
- در جوهریان ارباب سخن که قوم لطیف و طایفه مستغنی التعریفند و سخن جنسی است بلند پایه و بحری است پر از گوهر گرانبایه ۳۵
- در انتظام کلام نظم که از صور حروف اصلیه ذات بر لوح السنه متکلمان عالم صفات ظاهر و فایض می گردد ۳۷
- در تحریر نقش زمزمه مقامات پرده دل که آهنگ نغمات شغب انگیز صوت عرفان از قانون فطرتش، بی زخمه قول مرشد بلند آوازه نمی آید ۳۸
- روضه اول - در صفای رؤیت مرشد صافی صفات و رهیدن مرید صادق از قید شب حیرت به صبح نجات ۳۹
- روضه دوم - در طلوع صبح طلعت پیر آفتاب ضمیر و روشنایی یافتن مرید صادق از ظلمت هوا، به نور تربیت پیر صادق ۴۲
- روضه سوم - در تأثیر تربیت پیر رهنما و آگاه شدن مرید صادق از حال امروز بر حقیقت فردای خویش ۴۵
- موعظه اول - در انبعاث مجردات عالم شهود و اجمال آفرینش اجسام که عبارت است از سلسله مادیات عالم شهود و ایجاد آدم - علیه السلام - که مظهر اسم اعظم است ۴۹
- حکایت بدیع الجمال شیشه گر که از غایت حسن، به مشاهده جمال خود، آینه خانه بنا نموده و هر آینه تماشای جمال خود فرموده ۵۲
- موعظه دوم - در وفور برکات پیشه دهقانی که به حکم «الدنيا مزرعة الآخرة» سرمایه و محصول دوجاهانی است ۵۴
- حکایت آن بوالهوسی که به شب از خلق پنهان، جو می کاشت و هر روز از سر سودای خام گندم طمع می داشت ۵۶
- موعظه سوم - در بیان اثبات وحدانیت حضرت جل سبحانه و کلمه طیبه «لا اله الا الله»، بر احدیش دلیلی هست بر دل های روشن ۵۸
- حکایت قطره باران نیسانی که از ترکیب ابر ظلمانی، مصفا و بسیط گشته است؛ به مقتضای ثبات اصلی، مستغرق محیط می گردد ۶۰

- موعظه چهارم - در ذکر اقامت نماز پنج‌گانه و عبادت معبود یگانه ۶۱
- حکایت شاه نعمت الله ولی - قدس سره - که دایم رو به قبله نشستی و چون به صحبت امیر تیمور توجه فرمود پشت به قبله نمود ۶۳
- موعظه پنجم - در صفت قدر و بزرگی ماه مبارک رمضان که مفتاح درجات جنان و قفل درکات نیران است ۶۶
- حکایت در روزه داشتن زلال بخش حوض کوثر - سلام الله علیه - که به فحواى کریمه «و يُطعمونَ الطَّعامَ علی حَبِّهِ مسکیناً و یتیماً و اسیراً» قوت خود را احسان نمود ۶۸
- موعظه ششم - در بیان ادای زکات که سرمایه برکات مدارج دنیوی و پیرایه درجات معارج اخروی است ۷۰
- حکایت صاحب خیری که از فیض کیمیای بلند عیار توفیق، مهر تعلق از مخزن درم برداشت و به بذل درم، سکه نام خود بر لوح کرم نگاشت ۷۲
- موعظه هفتم - در تحریر قانون راه حجاز که در هر پرده آن شعبه‌ای از ناله عشاق بی برگ و نوا بگوش راست کیشان می‌رسید و هر آینه ذرات عالم جان را به وجد عرفان در می‌آورد ... ۷۳
- حکایت شیخ فضیل عیاض - قدس سره - که از سلوک حج به مقامی رسید که اگر در حال وجد بر دریا گذشتی قدمش تر نگشتی و رسیدن اعرابی ۷۶
- موعظه هشتم - در ترک مصاحبت ناجنس که مصیبات اسباب محمول و تجرید است و در فواید خلوت و عزلت که مفتاح ابواب وصول و توحید ۷۸
- حکایت حضرت عیسی که هرگز به ناجنسان نیامیخت و با همه روح‌بخشی از ابلهان که زنده حضوری و مرده معنوی‌اند می‌گریخت ۸۰
- موعظه نهم - در ایما و اشارت به اسرار خاموشی که به حکم مَنْ صُمْتُ برقع نجات و فلاح و پرده عافیت و صلاح است ۸۱
- حکایت حسین منصور حلاج - رحمت الله علیه - که یک دم از اسرار عشق بر وی ظاهر کردند و او به حکم افشای سرالربوبیه کفر، محرم آن دم نیامد ۸۲
- موعظه دهم - در تنبیه آنانی که از شراب نخوت سر به گریبان هستی فرو برده‌اند و در صبح آگاهی از خواب غفلت، در شبستان مستی فرو مرده‌اند ۸۳
- حکایت آن شب‌زنده‌دار که از بخت بیدار، واقعه روز قیامت به خواب دید ۸۵
- موعظه یازدهم - در ذکر سماع و صفای چله‌نشینان حلقه وجد و حال که صوفیان فقر و فناپند و به اصول راه دور استاده دایره توحید می‌نمایند ۸۵

- حکایت آن صوفی ذاکر که شیطان خود را به صورت آدمی به وی نمود و گفت عمرهاست که الله اکبر می‌گویی و یک بار جواب لبیک نمی‌شنوی ۸۸
- موعظه دوازدهم - در وصف علم و علمای دین که مصباح اصحاب مجالس تحقیق‌اند ۸۹
- حکایت آن فقیه سالوس که دستار خود را جهت بزرگی از اجزای مختلف پر نموده و در ربودن دزدی آن دستار غلطنما را ۹۱
- موعظه سیزدهم - در تعدیل ارکان عدالت و صفت سلاطین عادل که به فحوای «السُّلطان ظلُّ الله فی الارض» ملاذِ خلاقند و به طرازِ کسوت «اِنَّ اللهَ یأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ» لایق ۹۲
- حکایت عدالت خسرو غازی - قدس سره - و معمور شدن ممالک هرات به یمن معدلت وی و ترویج حال سادات ۹۳
- موعظه چهاردهم - در توحید اوضاع اصحاب حساب که مهندسان قلمرو سیاق و آداب و مستوفیان ابواب ائمال عالم ایشانند ۹۴
- حکایت آن واعظی که اهل ظلم را دعای خیر می‌گفت و چون سبب می‌پرسیدند، می‌گفت که ایشان مرا از جمع اسباب قنوی که آلت حرمان درجات اخروی است باز دارند ۹۸
- موعظه پانزدهم - در وصیت آنکه صبح پیری از بیاض انوار غیب دمیده و آفتاب عالم افروز جوانی بر سر دیوار مقطع شب رسیده ۹۹
- حکایت آن پیر سیصدساله که در عهد شباب، عمر دراز از حق تعالی طلب نمود و چون ضعف پیری قوی شده، دریافت که علاج این مرگ است ۱۰۱
- موعظه شانزدهم - در غنیمت شمردن آب و تاب نوروز جوانی که سرمایه فضل و اقبال و کامرانی و پیرایه اصل ایام زندگانی است ۱۰۲
- حکایت ابن عطا - قدس سره - که شیطان را دید که دامی دارد که هرگز چنان ندیده بود و سؤال نمودن قبض و بسط آن دام را ۱۰۴
- موعظه هفدهم - در تحریر خط و خال نیکوان که نقش دلپذیر نگارستانِ صنع و کمال در آینه معنی نمای صورتخانه عالم حسن و جمالند ۱۰۵
- حکایت حسد بردن برادرانِ یوسف علیه السلام - که او را از پدر جدا ساختند و به حکم «مَنْ حَقَّرَ بَرَّأً لَّاخِیْهِ یُوقَعْ فِیْهِ» او را در چاه انداختند ۱۰۷
- موعظه هژدهم - در شرح جاذبه عشق که رگ‌های جان عاشقان را به حبل المتین تعلقش پیوسته و گرفتاران عالم دل را از قید سودایش بسته ۱۰۸

حکایت عاشق شدن شیخ حبیب عجمی - قدس سره - به مغیبه می فروش و از شور و جذبه، توجه دل او را به حق متوجه ساختن و مسلمان فرمودن.....	۱۱۱
موعظه نوزدهم - در حسن ادای شیرین سخنان موزون که طوطیان شکر شکن بهارستان فصاحت اند و منقار قلم همایون رقم چهره گشای صور آینه رخساران نگارستان ملاحظ.....	۱۱۲
حکایت سلطان بهرام شاه خلجی که بر صحبت حکیم گرامی، شیخ نظامی رفت و جهت دوام نیکنامی خود، استدعای تألیف مخزن الاسرار نمود.....	۱۱۴
موعظه بیستم - در تعلیم نورسیده که هنوز موسم تازه بهارش نرسیده و سبزه خط غبار از صفحه لوح عذارش ندمیده.....	۱۱۷
حکایت آن درویش توانگردلی که در مقام تسلیم و رضا مراد خود را در اراده حق - جل و علا - فانی ساخته و مرآت خاطر خود را از غبار تعلّقش بکلی پرداخته.....	۱۱۹
خاتمه این نامه شکسته خاتمه به محک قبول کیمیاطبعان رایج باد که دیده وران شناسنده جوهر نظم صاف و معیار معانی عالم اینصاف اند.....	۱۲۰
تعلیقات.....	۱۲۳
راهنمای تعلیقات.....	۱۳۵
نمایه عام.....	۱۳۷
منابع.....	۱۳۹
منابع انگلیسی.....	۱۴۷

پیشگفتار

هاشمی آنانکه نظر یافتند
از نفس اهل هنر یافتند

اثر پیش رو، تصحیح مثنوی مظهرالآثار، سروده شاعر و عارف معتبر، اما ناشناخته سده دهم، «شاه جهانگیر هاشمی کرمانی» است؛ همراه با مقدمه کامل در معرفی سراینده، اثر ارجمندش و شرح زندگانی و اندیشه وی. این شاعر چیره دست و عارف ژرف نگر و همچنین منظومه پربارش از چند جهت بسیار مهم و درخور شناخت افزون اند که نگارنده دلایل آن را در مقدمه پیش رو (فصل اول) به تمامی آورده است.

توضیح اینکه پژوهش و تصحیح حاضر، حاصل کاری است که سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ برای رساله دکتری به سامان و پایان رساندم؛ از آن زمان تا اکنون همواره در اندیشه انتشار آن در قامت کتابی درخور بوده ام؛ اما به هر سبب تا اکنون به فرجام نرسید. این تأخیر، فرصتی شد برای دیدن منابع بیشتر و ویراست مکرر. حال باور دارم که این تحقیق و تصحیح به سرانجامی دلخواه رسیده است.

راهنمای این کمترین در مسیر تألیف رساله دکتری، دانشمند ادیب، مصحح،

کتاب‌شناس، مدرّس و محقق ژرف‌اندیش، جناب استاد دکتر محمود مدبری بودند که سال‌ها در مکتب پربارشان آموخته‌ام.

همواره سپاسگزار این استاد گران‌مایه و دیگر استادانم، به‌ویژه خردمند و فرهیخته فرهنگ‌پرور و دانش‌افروز، جناب آقای دکتر محمدصادق بصیری هستم که مشاوره رساله را بر عهده داشتند.

از پژوهشگر، شاعر و ادیب توانا، جناب آقای سیدعلی میرافضلی که در معرفی و فراهم آوردن بسیاری از منابع، همراهی و همکاری کردند، نیز صمیمانه متشکرم.

هم قدردان دیگر شاعر و محقق پیشکسوت، جناب آقای احمد اسداللهی (شعله) هستم که سخاوتمندانه شماری از منابع مهم را در اختیارم گذاشتند.

استاد محمد میرزایی، خوش‌نویس و آوازخوان چیره‌دست نیز دو کتاب ارزشمند را معرفی کرده و در اختیارم گذاشتند؛ بسیار سپاسگزارم.

عاشقانه از همسر فداکارم، مترجم توانمند، خانم راحله انجم‌شعاع ممنونم که با همه مشغله‌ها، فضایی آرام فراهم کرد و تشویق‌ها و مشورت‌هایی مؤثر، برای به سامان رسیدن این کتاب نثار کرد.

سرانجام دعاگوی مرد بلندهمت و مهربان و دانشمند، جناب آقای دکتر اکبر ایرانی، مدیر مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و همکاران پرتلاش ایشان هستم. خداوند بر توفیق و توان ایشان بیفزاید.

حامد حسینیخانی

آبان‌ماه ۱۳۹۹

مقدمه

اگر عرفان را در یک معنای کلی، شناخت خداوند، شناخت خویشتن خویش و شناخت جهان هستی و مراتب آن بدانیم، پیشینه آن در سرزمین ما به دوره‌های قبل از اسلام بازمی‌گردد. اما آنچه که ما امروز از مبانی نظری و کارکردهای عملی عرفان می‌شناسیم، میراث دیرسالی است که بعد از ظهور اسلام آرام‌آرام پدید آمد و سیر تحوّل و تکامل خود را در طول قرون پشت سر نهاد. عارفان و حکیمان مسلمان در بستر همین بالندگی سر برآوردند و اندیشه‌ها، احوال و آثار ایشان گستره این مکتب بزرگ فکری و فرهنگی را با همه تنوع و زیرمجموعه‌های فراوانش پدید آورد.

عارف در پرتو شناخت اسماء و صفات حق به توحید ناب می‌رسد و از هرچه غیر حق، دست می‌شوید. در رساله فشریه آمده است: «علامت عارف آن است که از دنیا و آخرت فارغ بود و گفته‌اند هرکه خدای را بشناسد، رغبت چیزها از وی بشود و وی را نه فصل بود و نه وصل» (قشیری، ۱۳۷۴: ۵۴۵).

از همان قرون آغازین با تکیه بر شریعت اسلام و رویکرد تأویلی و تفسیری به قرآن کریم، مباحث گسترده‌ای در باب معرفت از سوی عارفان و حکیمان و حتی متکلمین و فلاسفه مطرح شد و در این بحث‌ها جایگاه شریعت و ارتباط آن با طریقت و حقیقت از موضوعات مهم و بلکه محلّ اختلاف حکما، متصوّفه و کلامیون بود. هجویری در تبیین نظر محمد بن فضل بلخی و تقسیم‌بندی علم می‌گوید: «علم من الله، شریعت؛ علم مع الله، طریقت؛ علم بالله، حقیقت» (هجویری، ۱۳۷۳: ۱۸).

بسیاری از اهل عرفان با توجه به حدیث نقل شده از پیامبر اسلام (ص) که فرمودند: «الشَّریعة احوالی، الطَّریقة افعالی و الحقیقة احوالی و المعرفة رأس مالی» [۱] این سه را در پیوند با هم و بلکه هر یک را مرتبه‌ای از یک مسیر می‌دانستند (صبور، ۱۳۸۰: ۱۳۹). به سخن دیگر این سه همانند سه طبقه از یک ساختمان‌اند که استحکام طبقه نخستین، ضامن استواری دیگر طبقات است (حائری، ۱۳۸۶: ۲۰). البته گروهی دیگر شریعت را گذرگاه دانسته و بعد از عبور از آن گذرگاه، دیگر نیازی به آن نمی‌بینند و دقیقاً در همین بزنگاه، بحث‌های فراوان و تنازع نظرهای مختلف، آشکار شده است. بعضی نیز گفته‌اند: «لَوْ ظَهَرَتِ الْحَقَائِقُ لَبَطَلَّتِ الشَّرَائِعُ، چون حقیقت‌ها پیدا شود، شریعت‌ها باطل می‌گردد» (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۷).

در تزیید و تبلور همین آراء و ثبت و نقل سخنان و احوال بزرگان اهل عرفان و تألیف کتاب‌های حکمی و عرفانی صاحب‌قلمان این عرصه بود که دایره عرفان نظری و وسیع‌تر می‌شد.

از سوی دیگر، مسیر تکاملی ادب پارسی که هجوم حکایتی پرفراز و فرود دارد، از همان قرن‌های سوم و چهارم، شعر را مؤثرترین و گویاترین زبان هنری قوم ایرانی برمی‌نمود.

در چنین موقعیت‌های تاریخی و فرهنگی که از یک سو مکتب بزرگ عرفان و جریان‌های تصوف اسلامی شکل می‌گرفت و از سوی دیگر شعر فارسی برجسته‌ترین هنر ایرانیان می‌نمود، طبیعی بود که آرام‌آرام، عرفان محمل نافذ و اثربخش شعر را برگزیند؛ در قلمرو عرفان، آثار منشور به قلم اهل عرفان و شاگردان و مریدان فراوان آن‌ها خلق شده بود و اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و آراء متنوع آن‌ها تا متن زندگی جامعه آن روز ایران پیش رفته بود و به جهان‌بینی اقشار مختلف، جهت می‌بخشید. از سوی دیگر، وجود شاعران بزرگ، از رودکی تا فردوسی و حتی قصیده‌پردازان خراسانی که بیشتر به وصف و مدح می‌پرداختند، ذائقه فرهنگی ایران آن روزگار را با طعم خوشایند شعر پارسی شیرین کرده بود. بسیار روشن است که این دو قلمرو باید در این سیر تاریخی به هم

می‌آمیختند و در یک تعامل ژرف، سلوکی هدفمند و کمال‌بخش را آغاز می‌کردند تا در طول سده‌های پیش رو، بخش عظیمی از فرهنگ ما را بیافرینند. در کنار این می‌توان به عوامل دیگر چون حمله اقوام مهاجم، جابه‌جایی پایگاه‌های ادبی و فرهنگی در جغرافیای آن روز ایران و حوادث گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد که در مجموع سبب شد آرام‌آرام روحیه حماسه‌طلب و برون‌گرایی قوم ایرانی به روحیه‌ای درون‌گرا و صوفی‌مسلکانه بدل شود. در این تحول آرام، شاعران و ادیبان، پیشگامان به شمار می‌روند.

اندیشه شاعرانی از این دست به تدریج در شعرشان تبلور یافت و شعر تعلیمی که در آغاز مروج اخلاق و زهد و تقید به آداب شرع بود، رفته‌رفته به حوزه عشق و معشوق ازلی ورود پیدا کرد و از ذوقیات آبدار عارفانه بهره‌مند شد.

عشق پوشیده است و هرگز کس ندیدش در عیان

لاف‌های بیهده تا کی زنند این عاشقان

هرکس از پندار خود در عشق لاف می‌زند

عشق از پندار خالی وز چنین و وز چنان

(غزالی، ۱۳۵۱: ۳۱)

از سوی دیگر، بسیاری از اهل عرفان که هم دانش ادبی فراوان داشتند و هم ذوق و توانایی سرودن شعر، ترجیح دادند تا آن معانی پیچیده و مشاهدات باطنی و حالات عارفانه را به زبان گیرا و هنرمندانه شعر بیان کنند و از شگردهای جمال‌شناسانه و تأویل‌پذیر این قلمرو بهره‌مند گردند.

فراتر از این می‌توان به نظر استاد شفیعی کدکنی استناد کرد که نگاشته‌اند: «عرفان چیزی نیست جز نگاه جمال‌شناسانه و هنری به الهیات». ایشان معتقدند که همه کسانی که توانسته‌اند به الهیات اسلامی نگاهی جمال‌شناسانه و ذوقی و هنری داشته باشند، عارفان اسلام‌اند (رک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۱). دقیقاً همین نگاه هنری و ذوقی به دین و آیین را می‌توانیم خاستگاه اصلی شعر عرفانی قلمداد کنیم. بسیاری از عرفای سده

سوم حتی در زبان محاوره و عادی خود از واژگان و عبارات آهنگین و شعرگونه بهره می‌بردند که نمونه بارز آن، عارف پر آوازه، بایزید بسطامی است. نام و نشان بسیاری از این صوفیان قرن سوم و چهارم که شعر عرفانی می‌سرودند در برخی منابع با ذکر ابیاتی از آنان آمده است. چهره‌هایی چون «پیر ابوالقاسم بشر یاسین، خواجه ابوعلی سرخسی، شیخ ابوذر بوزجانی، استاد ابوعلی دقاق، ابوسعید ابوالخیر و تعدادی دیگر» (راستگو، ۱۳۸۹: ۴۶-۵۰).

در دوره‌های آغازین پیوند شعر و عرفان، قالب‌هایی چون رباعی (به‌ویژه در مجالس اهل خانقاه و سماع)، قصیده و غزل رواج داشته است. از اینجا می‌توان گریزی زد به درگاه بحث مورد نظر که مثنوی سرایی عرفانی یا منظومه‌های عرفانی است. قالب مثنوی که در منظومه‌های حماسی و پهلوانی، به‌ویژه شاهکار بزرگ ادب ما، شاهنامه فردوسی ارج و جایگاه بلند خود را یافته بود قابلیت آن را داشت که این بار در عرصه عرفان جولان دهد و جریان دامنه‌دار و تأثیرگذار منظومه‌های عرفانی را در تاریخ ادبیات ما جاودانه کند. در این حوزه، فضل تقدّم شاعر و عارف مشهور قرن پنجم و ششم، سنایی غزنوی محفوظ و معلوم است.

منظومه‌های عرفانی

به تحقیق می‌توان گفت منظومه سرایی عرفانی با سنایی آغاز شد و حدیقه الحقیقه، مثنوی عارفانه او، آغاز این سنت در تاریخ ادبیات ما بوده است. دکتر شفیعی کدکنی می‌نویسد: «در تاریخ ادبیات فارسی، وقتی می‌گوییم: شعر قبل از سنایی و شعر بعد از سنایی، خواننده اهل و آشنا، تمایزی شگرف میان این دو مرحله احساس می‌کند؛ همچنین نگاشته‌اند: «حدیقه سنایی سرآغاز نوعی از شعر است و قصاید او نیز سرآغاز نوعی دیگر و غزلهایش نیز حال و هوایی متمایز از غزلهای قبل از وی دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۹).

مجدود بن آدم سنایی غزنوی که در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم

می‌زیسته و به دربار مسعود بن ابراهیم شاه غزنوی رفت و آمد داشته است، ضمن اینکه تحت تأثیر شاعران بزرگ و مدیحه‌سرای عهد محمودی (فرّخی، عنصری و منوچهری) بوده است، بی‌تردید جهان‌بینی زاهدانه و عارفانه خود را وام‌دار آثاری چون کشف‌المحجوب عثمان جلالی هجویری، رساله قشیریه، شرح کتاب تعرّف کلاباذی و کتابهایی از این دست بوده است (سنایی، ۱۳۸۲: ص ۶). این جهان‌بینی در برخی قصاید و غزل‌های او نمودی چشمگیر داشته است و چشمگیریتر از آن سبب شد سنایی آغازگر سنت سرودن منظومه‌های بلند عرفانی در قالب مثنوی شود و از این حیث، جایگاه ویژه‌ای نصیب او گرداند که در طول قرن‌ها، بزرگانی چون نظامی، عطار و مولوی متأثر از او باشند. حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه که با نام‌های الهی‌نامه و فخری‌نامه نیز از آن یاد شده است، مثنوی عارفانه حکیم سنایی است که در بحر خفیف مسدّس سروده شده و صبغه عرفانی آن با بیان روان و ذوقی معانی و مضامین توحیدی و معرفتی، هر مخاطب آشنا با این عرصه را مجذوب خود می‌کند. درباره حدیقه به درستی بیان شده است که «از همان ابیات آغازین شاعر نشان می‌دهد که نه تنها علاقه دارد تا در بحث معرفت الهی از کلام متشرّعه سود جوید، بلکه دوست دارد از تجربه‌ها و بیان عارفانه نیز مدد گیرد و آن را در آینه اندیشه و خیال شاعرانه خود ببیند و با امثال و لطایف و حکایاتی از فرهنگ عام همراه کند» (همان، ۱۴).

به هر روی، سنایی بنیان‌گذار سرایش منظومه‌های عرفانی است که الهام‌بخش خلق صدها منظومه عرفانی در طول قرن‌ها بوده است. بعد از اثر ارجمند سنایی، منظومه‌هایی گران‌قدر در طی قرون پدید آمد؛ آثاری چون: مخزن‌الاسرار نظامی که بیشتر درباره این اثر و تأثیر شگرفش سخن خواهیم گفت؛ «سلسله منظومه‌های عرفانی عطار، یعنی مجموعه میراث مثنوی سرایی او: اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه و منطق‌الطیر» (عطار، ۱۳۸۶: ۱۵)؛ اثر ماندگار مثنوی مولوی، روضه‌الانوار خواجوی کرمانی، تحفة الاحرار جامی، مظهر‌الآثار هاشمی کرمانی و ده‌ها منظومه دیگر. در این میان بی‌تردید مخزن‌الاسرار با توجه به نوآوری‌های نظامی بزرگ و نوع اندیشه و شیوه بیان او، از چنان جایگاهی برخوردار

شده است که شاعران بسیاری از قرن ششم تا امروز به اقتفای آن، منظومه سروده‌اند که یکی از آن‌ها منظومه گران‌قدر اما مهجور مظهر الآثار هاشمی کرمانی است که این پژوهش و تصحیح دربارهٔ این اثر است. در بخش پایانی این مقدمه، به دلیل اهمیت مخزن الاسرار و تأثیر انکارناپذیر نظامی، بحثی پیرامون پیروان نظامی با تکیه بر مخزن الاسرار او انجام می‌گیرد.

پیروان نظامی با تکیه بر مخزن الاسرار

دربارهٔ مخزن الاسرار گفته‌اند: «نظامی با سرودن مثنوی عرفانی مخزن الاسرار، همدوش سنایی غزنوی از نخستین گویندگان توانایی است که این‌گونه شعر را در ادب فارسی رایج ساخت و راه را برای سرایندگان منظومه‌های عرفانی بعد از خود هموار نمود، به‌ویژه که او برای نخستین بار بحر شریع را در مثنوی سرایی به خدمت گرفت و پس از او بیش از نود شاعر پارسی‌گوی، به پیروی از این مثنوی برخاستند» (دلیری، ۱۳۷۵: الف).

نظامی، این شاعر بزرگ و داستان‌سرای چیره‌دست قرن ششم، از این نگاه که هم در سرودن مثنوی‌های بزمی پیش‌تاز است و هم مثنوی رزمی و از همه مهم‌تر - البته از نظرگاه موضوع این تحقیق - منظومهٔ عرفانی گران‌سنگ مخزن الاسرار را سروده است، از برجسته‌ترین و جریان‌سازترین شاعران ادب پارسی به شمار می‌رود.

خمسره سرایی، بعد از نظامی رواجی شگفت داشته و در تمام دوران‌ها، شاعران و سخن‌سرایان تلاش کرده‌اند تا با سرودن خمسره به سنت نظامی، توان و طبع خود را بیازمایند. در اینجا تقلید شاعران از تمام منظومه‌های نظامی مورد بحث نیست و البته در این باره کتاب‌ها و مقالات بسیار نوشته شده است. به فراخور موضوع و هدف این تحقیق، تکیه بر مخزن الاسرار، این منظومهٔ شیرین و ژرف عرفانی حکیم گنجه است که تأثیری انکارناپذیر بر ادبیات ما داشته است.

دکتر محمد معین دربارهٔ مخزن الاسرار می‌نویسند: «نظامی در مخزن الاسرار که معرف جنبهٔ عرفانی و اخلاقی شاعر است، شخصیت خود را نشان داده است. توجه نظامی در